

پیشگفتار

در دوردست‌های تاریخ اسکان جوامع بشری در آسیای غربی، سرزمین بلند فلات ایران و سرزمین پست و جلگه‌ای بین‌النهرین نقش مهم و انکارناپذیری داشته‌اند. از یک سو جوامع پارینه‌سنگی و نوسنگی در کوهپایه‌های شرقی و غربی زاگرس مرکزی ایران شکل گرفته و به رشد خود ادامه داده‌اند. از سوی دیگر جوامع پیشرفته آغاز شهرنشینی و شهرنشینی و پیدایش خط و کتابت در سرزمین جلگه‌ای بین‌النهرین، برای اولین بار آغاز شده و به رشد فزاینده خود به مدت حدود سه هزاره ادامه داده است. در پایان این دوره طولانی بار دیگر فلات ایران با شکل‌گیری امپراتوری جهانی هخامنشی به نقش بی‌بدیل خود در آسیای غربی ادامه داده است. در این فرایند تاریخی، تشکیل جوامع روستایی اولیه، آغاز و گسترش شهرنشینی و پیدایش امپراتوری جهانی سه نقطه عطف به شمار می‌آیند که در سرنوشت تاریخی جوامع ساکن در آسیای غربی تأثیر بسیار زیاد داشته‌اند. بخشی از شواهد و آثار این فرایند به ویژه در دوران پیش از تاریخ بر اساس یافته‌های باستان‌شناسی و بخش دیگر بر مبنای اسناد مکتوب قابل اثبات‌اند. در اینجا است که باستان‌شناسی و تاریخ به هم پیوند خورده‌اند.

مطالعه و بررسی فعالیت‌های عتیقه‌جویی، شبه باستان‌شناسی و باستان‌شناسی در بین‌النهرین (فصل اول) نشان می‌دهد که میراث‌های بسیار غنی این منطقه از اوایل قرن نوزدهم میلادی تا اواسط قرن بیستم به طور مستمر به وسیله ماجراجویان، عتیقه‌جویان و شبه باستان‌شناسان کشورهای غربی غارت و به موزه‌های معروف امریکا و اروپا انتقال داده شده است. از اواسط قرن بیستم بدین سو، فعالیت‌های باستان‌شناختی با هدف

یافتن ریشه‌های فرهنگی اشیاء غارت شده شکل منظم‌تری گرفت. در این راستا به عمد تلاش شد که حاکمیت پیشینه فرهنگی بین‌النهرین در دورانهای پیش از تاریخ و تاریخی به طور مستقل و بدون تأثیرپذیری از مناطق پیرامونی و در خلأ در نظر گرفته شود. بدین ترتیب سرزمین بین‌النهرین بدون توجه به تفاوت‌های منطقه‌ای موجود در آن به عنوان کانون و مرکز اصلی پراکنش فرهنگها و تمدنهای آسیای غربی در تمام دورانهای پیش از تاریخ و تاریخی تلقی گردد. به واقع این تلاشها در راستای نظریه «انتشار گرایی» که به نظر نگارنده یک نظریه استعمار نو است، صورت می‌گرفت. البته در اینکه جنوب بین‌النهرین در طول هزاره‌های سوم و دوم قبل از میلاد کانون اصلی فرهنگ و تمدن آسیای غربی بوده است، تردیدی وجود ندارد. اما پرسش اساسی این است که آیا می‌توان محوریت و مرکزیت بین‌النهرین را با توجه به واقعیت‌های جغرافیایی و داده‌های مثبت باستان‌شناسی به دوره‌های پیش از تاریخ، به ویژه دوره‌های پارینه‌سنگی میانی، نوسنگی و مس‌سنگی قدیم، تعمیم داد؟

کتاب حاضر در چهار فصل به هم پیوسته به رشته تحریر درآمده و بر اساس دیدگاه‌های پیش گفته و با استفاده از داده‌های بی‌غرض باستان‌شناسی تنظیم شده است. در فصل اول به هم تنیدگی فرهنگ‌های پیش از تاریخ با جغرافیا و نیز پیشینه فعالیت‌های شبه باستان‌شناسی و باستان‌شناسی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد هر کدام از این مؤلفه‌ها در پیدایش رهیافتهای مطالعاتی بین‌النهرین مؤثر بوده‌اند. در فصل دوم دوران طولانی منطقه مورد ارزیابی قرار گرفته است. در فصل سوم ابعاد مختلف دوران دوران‌ساز نوسنگی مطالعه شده است. ماحصل این دو فصل این بوده است که دورانهای پارینه‌سنگی و نوسنگی در کوهپایه‌های غربی زاگرس مرکزی که بخش شمال شرقی بین‌النهرین را تشکیل می‌دهد شکل گرفته و گسترش یافته و در نهایت ارتباطی با بین‌النهرین جلگه‌ای نداشته است. از این رو ابعاد مختلف این دورانها به طور منطقی باید در ارتباط تنگاتنگ با کوهپایه‌های شرقی زاگرس مرکزی ایران و بدون توجه به مرزهای سیاسی کنونی مورد تحلیل قرار گیرد. هم‌زمان با پایان دوره نوسنگی و تشکیل تدریجی جوامع مس‌سنگی، الگوهای استقرار در بین‌النهرین به شدت تغییر می‌کند و تمایل به مکان‌یابی استقرار در

دشتهای فراخ افزایش می‌یابد. در مراحل نهایی این فرایند جنوب بین‌النهرین نیز که تاکنون غیرمسکون مانده بود، استقرارهای نسبتاً بزرگ را در خود جای می‌دهد. بدین ترتیب جمعیت‌های انسانی در مناطق جلگه‌ای بین‌النهرین افزایش می‌یابد و فرهنگ همگونی در این مناطق به وجود می‌آید که در نهایت به پیدایش شهرها و خط و کتابت منجر می‌شود. موضوعات مربوط به این دوران در فصل چهارم مطالعه و بررسی شده است.

در تألیف این کتاب مشکل عمده‌ای وجود داشته است. در موارد بسیاری داده‌های جدید با داده‌های قدیم تناقضهای آشکاری داشت. از این رو پالایش داده‌های قدیم ضروری می‌نمود. به نظر نگارنده در موضوعاتی که مستلزم استفاده از داده‌های قدیم و جدید باستان‌شناسی است، پالایش دقیق داده‌ها از ضروریات می‌باشد. در واقع بدون توجه به این موضوع نمی‌توان تصویر روشنی از موضوع تحقیق ارائه کرد.

این کتاب به طور اختصاصی برای دانشجویان باستان‌شناسی که در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد درس «باستان‌شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین» را به عنوان درس اصلی انتخاب کرده‌اند، به نگارش درآمده است. افزون بر این، به طور اخص دانشجویان باستان‌شناسی با گرایش پیش از تاریخ نیز مورد نظر نگارنده بوده است. در عین حال کتاب به گونه‌ای تنظیم شده است که دیگر علاقه‌مندان رشته باستان‌شناسی که در حال افزایش‌اند بتوانند از آن بهره لازم را ببرند. امیدوارم تألیف این کتاب فتح بابی باشد برای دانشمندان باستان‌شناس ایرانی که مسائل و موضوعات باستان‌شناسی مناطق پیرامونی ایران را به طور مستقیم و در جهت درک عمیق‌تر از موضوعات کلیدی و محوری باستان‌شناسی ایران مورد مطالعه و بررسی قرار دهند تا ان شاء الله بتوانیم جایگاه فلات ایران را در پیش از تاریخ هر چه بهتر و بیشتر تبیین کنیم. این موضوع از این نظر اهمیت دارد که متأسفانه شناخت دانشجویان باستان‌شناسی از وضعیت باستان‌شناسی مناطق پیرامونی فلات ایران به اغراض سیاسی آلوده است که مهم‌ترین وجه آن را می‌توان در «بین‌النهرین زدگی» باستان‌شناسی ایران پیگیری کرد.

در پایان از مسئولان و کارکنان محترم سازمان «سمت» و مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران، به ویژه از آقای احمد علی‌یاری (کارشناس ارشد باستان‌شناسی پیش از تاریخ)، خانم زهرا قاضی‌زاده (کتابدار) و خانم معصومه دیزجی (کارشناس سپاسگزارم. مسئولیت تصاویر و تفاسیر ارائه شده تماماً به عهده نگارنده کتاب است. امیدوارم خوانندگان گرامی این کتاب انتقادات و پیشنهادات خود را بدون هیچ محدودیتی در اولین فرصت به ناشر و یا مستقیماً به خود مؤلف اطلاع دهند.

دکتر حسن طلایی

مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران

۱۳۸۸